

نگاهی به وضعیت بخش‌های عمده

اقتصاد ایران

گزارش دوم: بخش صنعت



معاونت بررسی‌های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران



فهرست مطالب

۴.....	خلاصه مدیریتی.....
۵.....	مقدمه.....
۶.....	۱. تحلیلی بر عملکرد رقابت پذیری صنعتی ایران در جهان.....
۷.....	۲. ارزش افزوده بخش صنعت.....
۹.....	۱-۲. سهم ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی.....
۱۰.....	۲-۲. ارزش افزوده بخش صنعت استان تهران.....
۱۱.....	۳. شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی.....
۱۲.....	۱-۳. روند تغییرات شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی.....
۱۳.....	۲-۳. شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور به تفکیک صنعت.....
۱۵.....	۳-۳. ترکیب فعالیت‌ها از لحاظ سهم در ارزش افزوده کل صنعت ساخت.....
۱۶.....	۴. تورم تولیدکننده بخش صنعت.....
۱۹.....	۵. اشتغال در بخش صنعت.....
۲۰.....	۶. صادرات بخش صنعت.....
۲۱.....	۱-۶. شاخص عملکرد رقابت صنعتی یونیدو.....
۲۲.....	۱-۱-۶. شاخص سهم صادرات محصولات با فناوری متوسط و پیشرفته.....
۲۳.....	۲-۱-۶. شاخص کیفیت صادرات صنعتی ایران.....
۲۴.....	۷. مجوزهای صنعتی.....
۲۵.....	۸. چالش‌ها، تنگناها و مسائل اساسی در بخش صنعت.....
۲۹.....	۹. جمع‌بندی و ارائه راهکار.....
۳۰.....	۱۰. منابع.....

خلاصه مدیریتی

امروزه بخش صنعت در مقایسه با سایر بخش‌های مولد اقتصادی، به بخشی رهبری‌کننده در عرصه اقتصاد مبدل شده است. رشد صنعت این امکان را می‌دهد که قدرت عوامل تولید با توجه به توسعه روزافزون علم و فناوری به صورت مستمر افزایش یابد. با رشد صنعتی کشور، نیازهای مادی افراد جامعه بهتر تامین شده و نیروی کار شاغل در بخش صنعت از حقوق و امنیت اجتماعی بالاتری بهره‌مند می‌گردد. توسعه صنعت علاوه بر آنکه موجب افزایش سهم کالاهای صنعتی در صادرات کالایی کشور شده می‌تواند از طریق افزایش کمیت و بهبود کیفیت کالاهای ارزش‌افزوده بیشتری ایجاد کرده و تولید ملی و رفاه بیشتری را ایجاد کند. افزایش تولید و صادرات، موجب رونق بازار کار و اشتغال شده، درآمد طبقه کارگر را بهبود بخشیده و می‌تواند موجب پایهریزی نظام اقتصادی و اجتماعی عادلانه نیز باشد. تجربه جوامع توسعه‌یافته حاکی از ارتباط مستقیم رفاه و سطح زندگی بهتر مردم با گسترش صنایع در آن جوامع می‌باشد. افزون بر این، تجارب کشورهای توسعه‌یافته صنعتی نشان می‌دهد که صنعتی‌شدن به‌عنوان نیرو محرکه در توسعه و رشد کلیه بخش‌های اقتصادی و بافت‌های اجتماعی، نقش ایفا کرده و در نهایت تغییرات قابل توجه در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همگی در زمره شاخص‌ترین دستاوردهای راهبردی توسعه صنعتی تلقی می‌شود. توسعه صنعتی در این جوامع به‌عنوان قوه محرکه توسعه و رشد کلیه بخش‌های اقتصاد و به‌عنوان عامل اصلی تحول در کل ساخت و بافت جامعه و روابط داخلی و بین‌المللی آن عمل کرده است.

اقتصاد صنعتی ایران نیاز به دگرگونی اساسی دارد. ضعف ساختاری صنایع، ایجاب می‌کند که ابتدا دولت در چارچوب نظام برنامه‌ریزی هدفمند، یک استراتژی جامع توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد و در مرکزیت چنین اهداف بلندمدتی، برنامه‌های مشخص و دقیقی با استفاده از صاحب‌نظران اقتصادی و نخبگان در جهت اصلاح ساختار اقتصاد صنعتی به‌عنوان مکانیسم اصلی پویایی کلی جامعه، تدوین و به مورد اجرا گذارد. برای برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه صنعتی می‌بایست تنگناهای اساسی در این بخش شناخته شود. این شناخت بدون داشتن تصویری واقعی از عملکرد بخش صنعت امکان‌پذیر نیست. با توجه به اهمیت بخش صنعت در اقتصاد کشور به‌عنوان یک بخش مولد، بررسی وضعیت این بخش و احصای راهکارهای ارتقای آن از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که شناخت کافی از وضعیت عملکرد صنایع مختلف، سیاست‌گذاران را در جهت بهبود وضعیت بخش‌های صنعتی کمک می‌نماید. در این گزارش به تحلیل و تبیین مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی بخش صنعت ایران و عوامل اثرگذار بر توسعه صنعتی ضمن شناسایی تنگناهای این بخش و ارائه راهکار، پرداخته شده است.

مقدمه

بخش صنعت به‌عنوان موتور رشد اقتصادی و انباشت سرمایه، اهمیت بسیار زیادی در روند توسعه کشور دارد. رشد این بخش زمینه‌ساز رشد و توسعه سایر بخش‌ها از جمله کشاورزی، خدمات، حمل‌ونقل و انرژی را فراهم می‌آورد و دلیل این امر وجود پیوندهای پسین و پیشین زیاد بخش صنعت با سایر بخش‌ها است. بسیاری از کشورها، تحقق رشد و توسعه پایدار را نتیجه صنعتی شدن می‌دانند. ایران نیز یکی از این کشورها است. علی‌رغم گذشت سالیان متمادی از تلاش‌های ایران برای دستیابی به صنعت مدرن و سرمایه‌گذاری‌های فراوان از محل درآمدهای نفتی، پس‌اندازهای بخش خصوصی و یا استقراض خارجی انجام شده در این مسیر، هنوز ایران به جایگاه قابل قبولی در صنعت دست نیافته است.

توسعه صنعت یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی بالاتر است. بر این اساس مزیت توسعه صنعتی در کنار واقعیت رشد اقتصادی پایین ایران در سال‌های اخیر، باعث اهمیت توجه به رشد بخش صنعت در اقتصاد ایران شده است.



۱. تحلیلی بر عملکرد رقابت‌پذیری صنعتی ایران در جهان

شاخص رقابت صنعتی^۱، از جمله شاخص‌هایی است که سازمان توسعه صنعتی ملل متحد^۲، به منظور ارزیابی توان رقابت و عملکرد صنعتی اقتصادهای مختلف مورد استفاده قرار می‌دهد. این شاخص با بهره‌گیری مجموعه‌ای از شاخص‌های مرتبط، توان تولید و صادرات کالاهای صنعتی یک اقتصاد را مورد ارزیابی قرار داده و با سایر کشورها مقایسه می‌کند. این شاخص، ظرفیت کشورها برای حضور در بازارهای داخلی و بین‌المللی و فعالیت‌های با ارزش‌افزوده بالا و دارای فناوری برتر را نشان می‌دهد. قدرت هر کشور در زمینه رقابت صنعتی با سایر کشورها در حوزه تولیدات صنعتی با عددی بین صفر تا یک اندازه‌گیری می‌شود. هرچه این رقم به عدد یک نزدیک‌تر باشد، نشانگر قدرت بیشتر آن کشور در عملکرد رقابت صنعتی است. متوسط امتیاز عملکرد رقابت صنعتی کشورهای جهان در سال ۲۰۲۱، برابر با ۰.۰۶۱ است. بررسی وضعیت امتیاز و رتبه عملکرد رقابت صنعتی کشورهای جهان در سال ۲۰۲۱، نشان می‌دهد، کشور آلمان با امتیاز ۰.۴ در رتبه اول قرار دارد. کشورهای چین، ایرلند، کره و آمریکا به ترتیب با دارا بودن بیشترین امتیاز بعد از آلمان در رتبه‌های بعدی در میان ۱۵۳ کشور قرار می‌گیرند.

جدول ۱. رتبه ۱۰ کشور برتر در شاخص عملکرد رقابت صنعتی - سال ۲۰۲۱

رتبه در شاخص عملکرد رقابت صنعتی	نام کشور
۱	آلمان
۲	چین
۳	ایرلند
۴	کره
۵	آمریکا
۶	چین، تایوان
۷	سوئیس
۸	ژاپن
۹	سنگاپور
۱۰	هلند

منبع: یونیدو

نکته قابل توجه افت ۴ پله‌ای جایگاه ژاپن در سال ۲۰۲۱ نسبت به سال ۲۰۱۹ است. ژاپن در سال ۲۰۱۹، رتبه چهارم و در سال ۲۰۲۱، رتبه هشتم را به خود اختصاص داده است. می‌توان بیان نمود توقف تقاضای جهانی و تنگنای طولانی عرضه، برنامه‌های تولید سازندگان ژاپنی را در این سال با مشکل مواجه کرده است. فعالیت ضعیف تجاری، چالش‌هایی را برای این کشور ایجاد می‌کند که به موجب آن ژاپن از هم‌تایان خود عقب‌مانده است.

¹ Competitive Industrial Performance (CIP)

² The United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)

در میان کشورهای همجوار، ترکیه نسبت به کشورهای مورد بررسی در جدول ۲، در وضعیت مناسب‌تری (با امتیاز ۰.۱۲۲ در رتبه ۲۷) نسبت به سایر کشورها قرار دارد. ایران در سال ۲۰۲۱ با کسب امتیاز ۰.۰۵ در رتبه ۵۷ جهان بعد از کشورهای امارات متحده عربی (با امتیاز ۰.۱۱۹ و رتبه ۲۹)، روسیه (با امتیاز ۰.۰۹۴ در رتبه ۳۴)، عربستان سعودی (با امتیاز ۰.۰۹ و رتبه ۳۴)، هند (با امتیاز ۰.۰۷۴ در رتبه ۴۱)، قطر (با امتیاز ۰.۰۵ و رتبه ۵۰)، عمان (با امتیاز ۰.۰۴۶ و رتبه ۵۱) قرار دارد. شایان ذکر است کشورهای قزاقستان، پاکستان، ازبکستان، ارمنستان، آذربایجان و عراق در رتبه‌های بعد از ایران و در وضعیت نامطلوبی نسبت به ایران قرار دارند.

جدول ۲. رتبه کشورهای همجوار در شاخص عملکرد رقابت صنعتی - سال ۲۰۲۱

رتبه در شاخص عملکرد رقابت صنعتی	نام کشور
۲۷	ترکیه
۲۹	امارات متحده عربی
۳۴	روسیه
۳۵	عربستان سعودی
۴۱	هند
۵۰	قطر
۵۶	عمان
۵۷	ایران
۶۷	قزاقستان
۸۱	پاکستان
۸۷	ازبکستان
۹۳	ارمنستان
۱۰۶	آذربایجان
۱۵۰	عراق

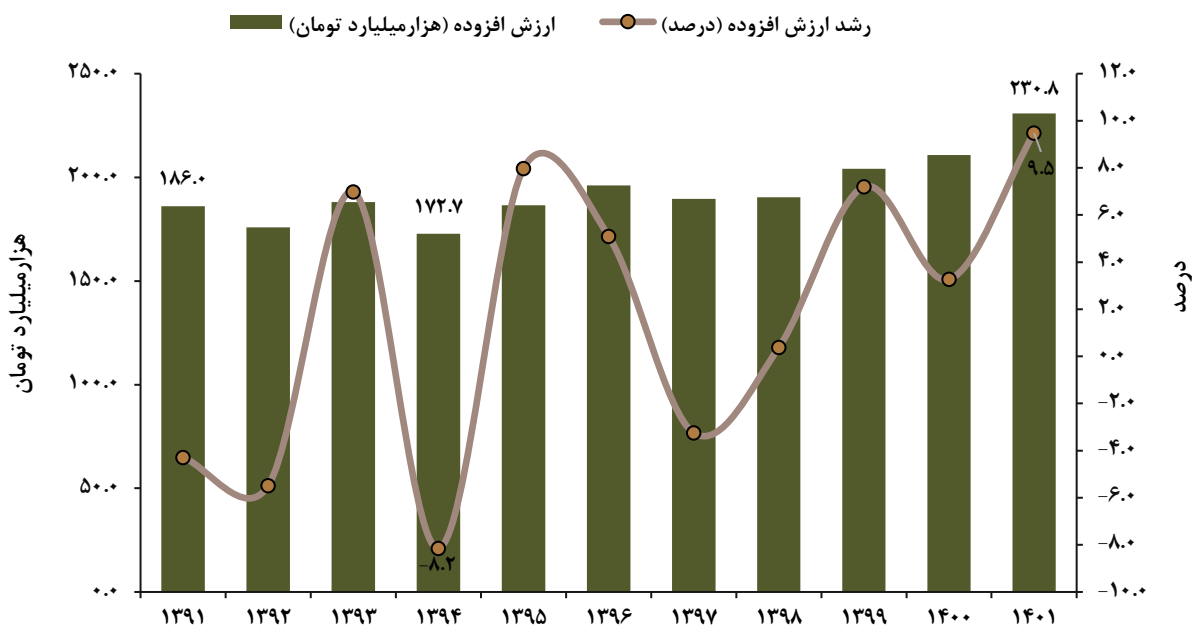
منبع: یونیدو

۲. ارزش افزوده بخش صنعت

ارزش‌افزوده بخش صنعت و معدن به‌عنوان مهم‌ترین متغیر اقتصادی این بخش در نمودار ۱ نشان داده شده است. بررسی آمارهای رسمی نشان می‌دهد که ارزش‌افزوده بخش صنعت طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ به‌طور متوسط سالیانه ۲.۲ درصد رشد کرده است. بررسی نمودار ۱، نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۴، به دلیل تشدید تحریم‌های اقتصادی، بروز شوک ارزی و مشکلاتی که در پی آن ایجاد شد، بخش صنعت رشد منفی ۸.۲ درصد را تجربه کرده که بیشترین کاهش رشد ارزش‌افزوده طی سال‌های مورد بررسی مربوط به این سال است. روند ارزش‌افزوده در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ صعودی بوده است، اما همزمان با شروع مجدد تحریم‌های اقتصادی و مشکلات ناشی از آن، ارزش‌افزوده بخش صنعت در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶، حدود ۳.۲ درصد کاهش داشته است. در سال

۱۳۹۸ به دلیل مشکلات ناشی از سوانح طبیعی در ابتدای سال، شیوع بیماری همه‌گیری کووید-۱۹ در سه ماهه پایانی سال و مشکلاتی که به تبع این بیماری ایجاد گردید، مانند کاهش تقاضای بین‌المللی کالاها و خدمات و محدودیت‌های ناشی از قرنطینه و ... رشد ارزش افزوده بسیار ناچیز و در حدود ۰.۴ درصد بوده است. در سال ۱۳۹۹، با پیاده‌سازی برنامه‌هایی مانند «جهش تولید» و کاهش آثار همه‌گیری کرونا، روند کاهش تولید بخش صنعت متوقف شده و توانست به رشد مثبت ۷.۲ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۸ برسد. این روند صعودی تا سال ۱۴۰۱ نیز ادامه داشته است. به‌طوریکه در سال ۱۴۰۱، ارزش افزوده بخش صنعت با رشد ۹.۵ درصدی نسبت به سال ۱۳۹۸، به ۲۳۰.۸ هزارمیلیارد تومان رسیده است. بیشترین رقم ارزش افزوده بخش صنعت طی سال‌های مورد بررسی مربوط به سال ۱۴۰۱ است.

افزایش ارزش افزوده بیانگر بهبود کلی تولید و پرداخت به عوامل تولید است. با رشد ارزش افزوده و با ثابت در نظر گرفتن دیگر مولفه‌ها، انتظار بر این است که سهم فعالیت‌ها و دارایی‌های مولد در قالب دستمزد، اجاره و سود در ترکیب درآمدی خانوارها و سایر فعالیت‌های اقتصادی افزایش یابد. این امر می‌تواند عامل اصلی در بهبود تقاضای کل اقتصاد و تداوم رشد اقتصادی باشد. از سوی دیگر افزایش تولید در بخش صنعت، از این جهات که ظرفیت بالایی در اشتغال داشته و منجر به رشد تولید در سایه زنجیره‌های اقتصادی می‌شود، بسیار حائز اهمیت است.

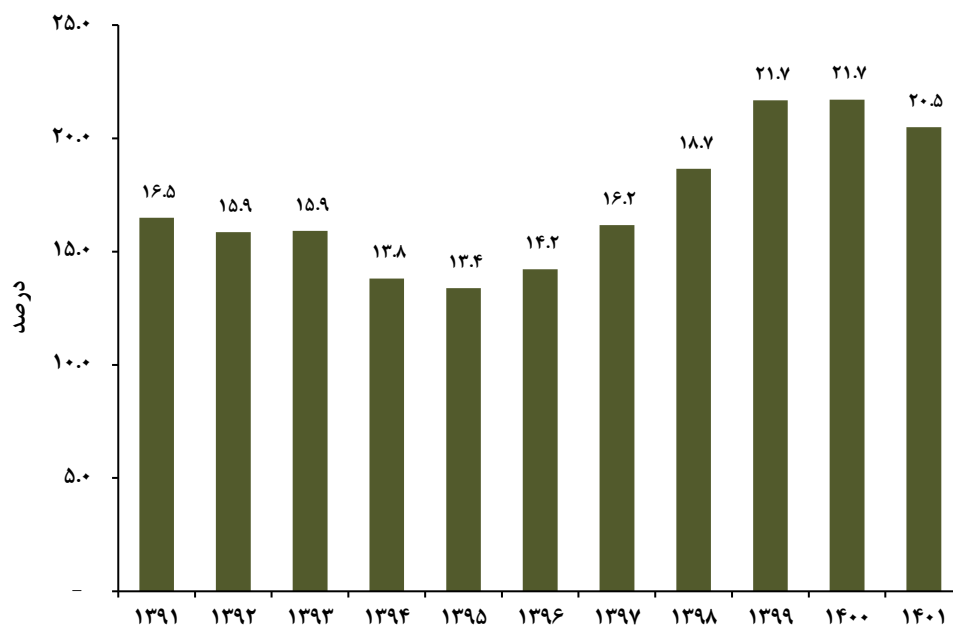


نمودار ۱. روند و رشد ارزش افزوده بخش صنعت طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ (۱۳۹۵=۱۰۰)

منبع: بانک مرکزی

۲-۱. سهم ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی

یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده روند صنعتی شدن در کشورها، سهم ارزش افزوده بخش صنعت از کل اقتصاد است. در نمودار ۲، سهم ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی ترسیم شده است. طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱، سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی روند ثابتی را طی نکرده و با نوسان همراه بوده است. با این حال این رقم در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۱ افزایش داشته و ۲۰.۵ درصد رسیده است. شایان ذکر است کمترین سهم بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی در دوره مورد بررسی مربوط به سال ۱۳۹۵ بوده است که در آن سال صنعت سهمی معادل ۱۳.۴ درصد از تولید ناخالص داخلی را از آن خود کرده است. همچنین سهم بخش صنعت از ارزش افزوده طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱، از ۱۶.۲ درصد به ۲۰.۵ درصد رسیده است. افزایش این سهم از سال ۱۳۹۷ عمدتاً به دلیل جهش قیمت‌ها به خصوص افزایش قابل توجه نرخ ارز بوده است. بخش صنعت، پس از گروه خدمات (با سهمی معادل ۴۶.۱ درصد از ارزش افزوده) و بالاتر از گروه نفت و گاز (با سهمی معادل ۱۱.۸ درصد) دومین بخش مهم اقتصادی از حیث ارزش افزوده در سال ۱۴۰۱ بوده است. باید توجه داشت که عوامل موثر بر ارزش افزوده بخش صنعت در مجموع تحت تاثیر همان عواملی است که تولید در کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

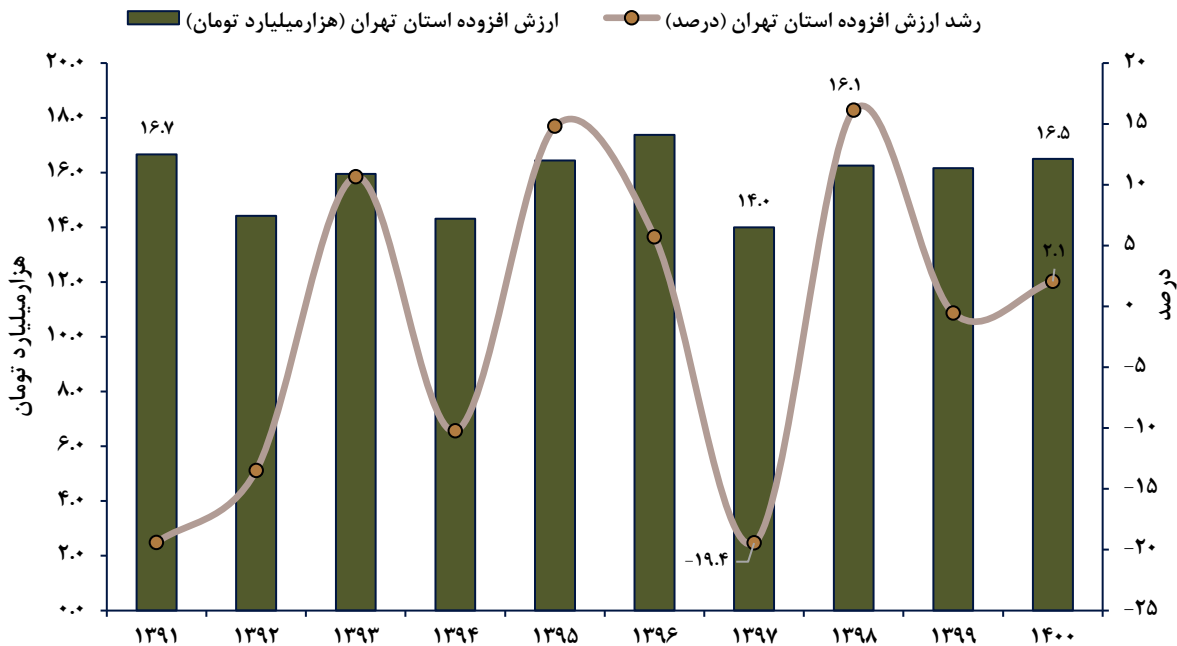


نمودار ۲. سهم ارزش افزوده بخش صنعت از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

منبع: بانک مرکزی

۲-۲. ارزش افزوده بخش صنعت استان تهران

بخش صنعت استان تهران در ترکیب ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی استان تهران معمولاً در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. گروه خدمات، با اختلاف قابل توجهی از سایر فعالیت‌ها بیشترین ارزش افزوده را در استان تهران ایجاد می‌کند. دلیل بالا بودن سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی استان، می‌تواند تمرکز خدمات بخش عمومی در این استان به علت پایتخت بودن شهر تهران دانست. بر اساس آمار و اطلاعات پژوهشکده آمار، ارزش افزوده بخش صنعت استان تهران در سال ۱۴۰۰، با رشد ۲.۱ درصدی نسبت به سال قبل به ۱۶.۵ هزار میلیارد تومان رسیده است که همچنان در رقی پایین‌تر از سال ۱۳۹۱ قرار دارد. بیشترین کاهش در رشد بخش صنعت در استان تهران مربوط به سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۱ است که با اوج‌گیری تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷ و بروز موانع تجاری به‌ویژه محدودیت‌های وارداتی و اختلال در تامین ارز مورد نیاز بنگاه‌های تولیدی رشد بخش صنعت حدود منفی ۱۹.۴ درصد بوده است.



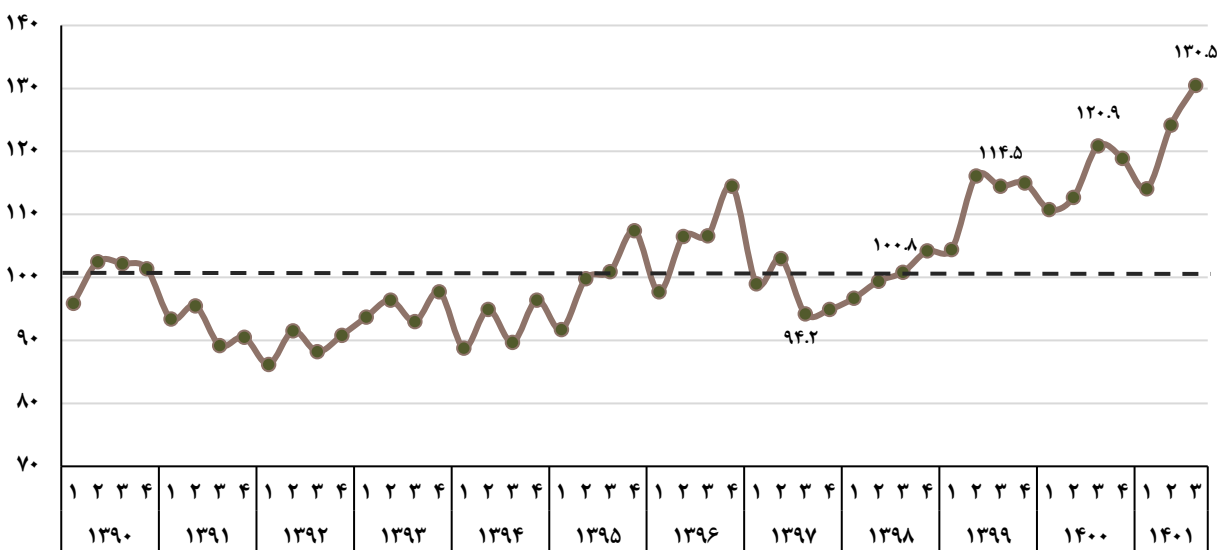
نمودار ۳. سهم ارزش افزوده بخش صنعت استان تهران از تولید ناخالص داخلی آن طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ (۱۳۹۵=۱۰۰)

منبع: پژوهشکده آمار

۳. شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی

یکی از شاخص‌های مهم به‌منظور ارزیابی وضعیت فعالیت‌های صنعت ساخت در کشور، شاخص تولید صنعتی است. شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی (دارای صد نفر کارکن و بیشتر) به‌عنوان شاخص کمکی دربرآورد ارزش‌افزوده بخش صنعت ساخت استفاده می‌شود، لذا بررسی روند شاخص تولید صنایع بزرگ و تغییرات آن می‌تواند تصویر بهتری از وضعیت رونق یا رکود بخش صنعت در کشور ارائه دهد.

در نمودار ۴، روندی از شاخص کل تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا فصل سوم ۱۴۰۱ نشان داده شده‌است. روند عمومی شاخص کل تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی طی سال ۱۳۹۰ تا فصل سوم ۱۴۰۱، علی‌رغم نوسانات متعدد، افزایشی بوده است. سطح شاخص تولید در فصل سوم سال ۱۳۹۸ از رقم سال پایه ۱۳۹۵ (۱۰۰)، فراتر می‌رود که بعد از آن هم با فراز و نشیب‌هایی در مجموع روند صعودی خود را تا حدودی حفظ می‌کند. شاخص کل تولید صنعتی در فصل پاییز ۱۴۰۱ به رقم ۱۳۰.۵ می‌رسد که بالاترین رقم فصلی در بازه مورد بررسی است و بعد از فصل پاییز ۱۴۰۰، برای دومین بار است که رقم شاخص کل تولید صنعتی از سطح ۱۲۰ واحدی عبور می‌کند.



نمودار ۴. روند فصلی شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱- به قیمت ثابت سال ۱۳۹۵

منبع: بانک مرکزی

شایان ذکر است بانک مرکزی، شاخص کل تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی برای سال ۱۴۰۱ به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ را طبق جدول ۳ اعلام کرده است. برای سال‌های مورد بررسی به دلیل تغییر سال پایه از ۱۳۹۵ به ۱۴۰۰، کلیه ارقام مورد تجدیدنظر قرار گرفته است.

جدول ۳. روند سالانه شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱

شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی (۱۴۰۰=۱۰۰)	سال
۱۰۰.۶	۱۳۹۸
۹۷.۱	۱۳۹۹
۱۰۰	۱۴۰۰
۱۰۹.۶	۱۴۰۱

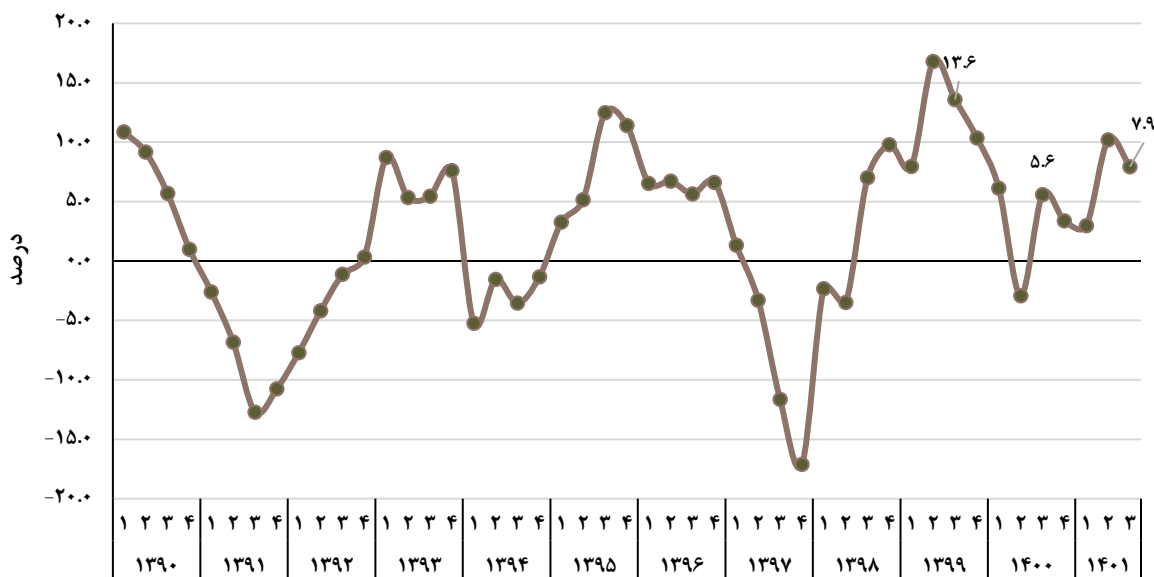
منبع: بانک مرکزی

۳-۱. روند تغییرات شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی

در نمودار ۵، روند تغییرات شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی در هر فصل در مقایسه با فصل مشابه سال قبل نشان داده شده است. بررسی روند تغییرات شاخص کل تولید صنعتی در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل طی بازه بهار ۱۳۹۰ تا پاییز ۱۴۰۱ به خوبی وضعیت رونق یا رکود تولید در کل بخش صنعت را نشان می‌دهد.

طی سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ رشد شاخص تولید صنعتی هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل، منفی بوده و در برخی مقاطع بعد از استمرار رشد منفی برای دو فصل متوالی یا بیشتر صنعت دچار رکود و یا تعمیق آن شده است. بیشترین ماندگاری رکود طی دهه اخیر مربوط به دو سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ و بالاترین شدت رکود نیز مربوط به بازه تابستان ۱۳۹۷ الی تابستان ۱۳۹۸ است.

در نیمه نخست ۱۴۰۱، رشد شاخص تولید در هر دو فصل اول و دوم، مثبت و روند افزایشی داشته است. در فصل سوم نیز رشد شاخص تولید مثبت بوده ولی نسبت به فصل دوم روند کاهشی داشته است. با توجه به رشد مثبت شاخص تولید صنعتی طی سه فصل بهار، تابستان و پاییز، رشد شاخص مزبور طی سه ماهه نخست سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال قبل نیز مثبت و حدود ۸.۳ درصد برآورد شده است.



نمودار ۵. روند تغییرات شاخص تولید کارگاه‌های صنعتی در هر فصل در مقایسه با فصل مشابه سال قبل - درصد

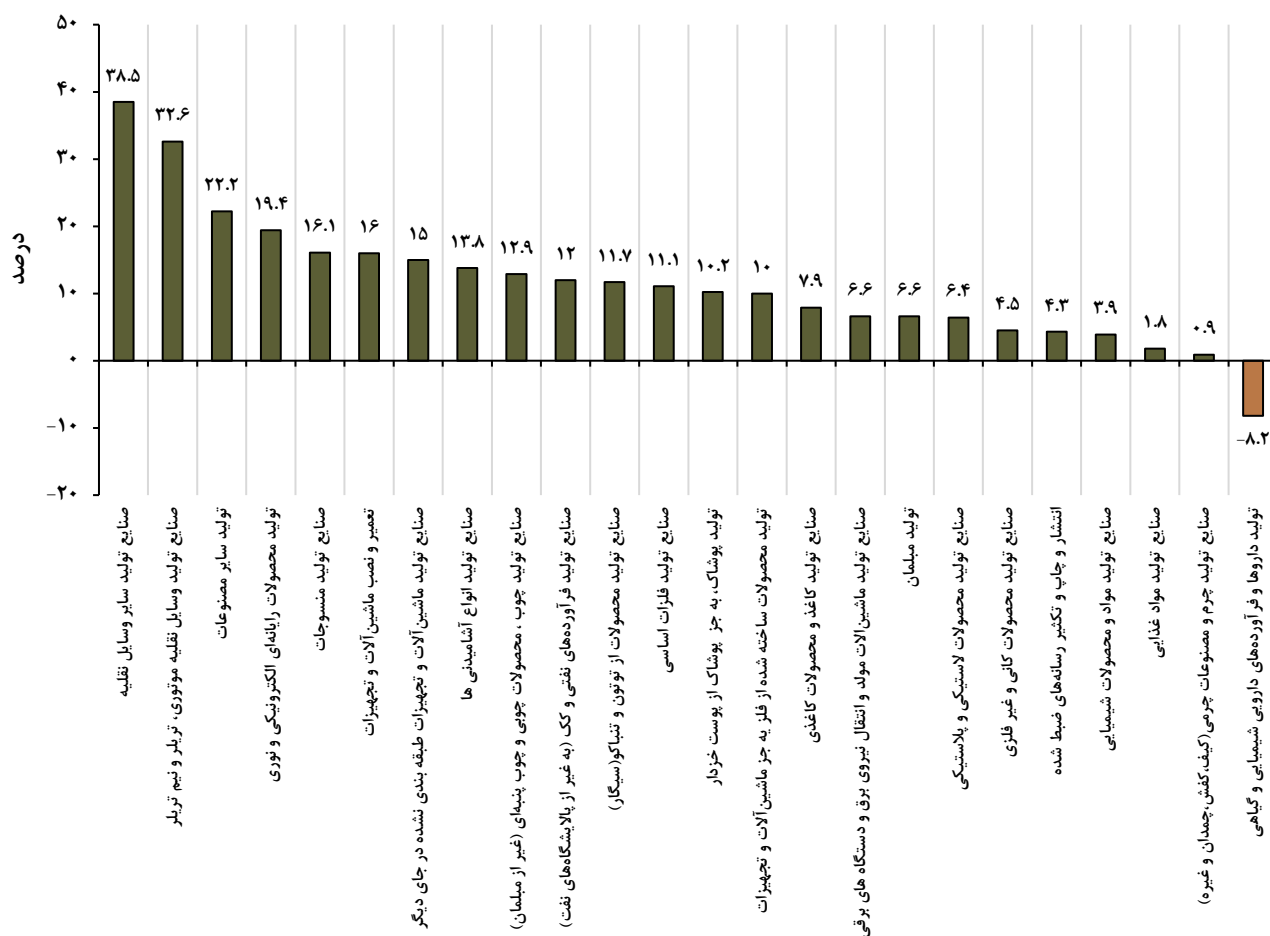
منبع: بانک مرکزی

بر اساس اعلام بانک مرکزی، رشد تولیدات کارگاه‌های بزرگ صنعتی برای کل سال ۱۴۰۱ به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰، برای فصل بهار حدود ۳.۱ درصد، برای فصل تابستان حدود ۱۳.۲ درصد، برای فصل پاییز حدود ۹.۵ درصد و برای فصل زمستان حدود ۱۲.۸ درصد برآورد شده که به طور میانگین در سال ۱۴۰۱ میزان تولیدات این صنایع رشد ۹.۶ درصدی داشته است. دلیل متفاوت بودن ارقام برای سه فصل نخست تغییر سال پایه از ۱۳۹۵ به ۱۴۰۰ است.

۳-۲. شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور به تفکیک صنعت

طی سه فصل نخست ۱۴۰۱، اکثر فعالیتهای صنعتی رشد مثبتی در تولیدات خود تجربه کردند. در بازه مورد بررسی در مقایسه با مدت مشابه سال قبل، چهار گروه فعالیت صنعتی بیشترین رشد شاخص تولید را دارا بودند که شامل صنایع تولید سایر وسایل نقلیه (حدود ۳۸.۵ درصد)، صنایع تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر (حدود ۳۲.۶ درصد)، تولید سایر مصنوعات صنعتی (حدود ۲۲.۲ درصد) و تولید محصولات رایانه‌ای الکترونیکی و نوری (حدود ۱۹.۴ درصد) هستند. در بین این گروه‌های فعالیت‌های صنعتی، تولید داروها و فرآورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی به رغم داشتن ضریب اهمیت بالا، با افت تولید (حدود منفی ۸.۲ درصد) در این دوره مواجه

شده است. در نمودار ۶، درصد تغییرات شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی به تفکیک گروه فعالیت صنعتی نمایش داده شده است.

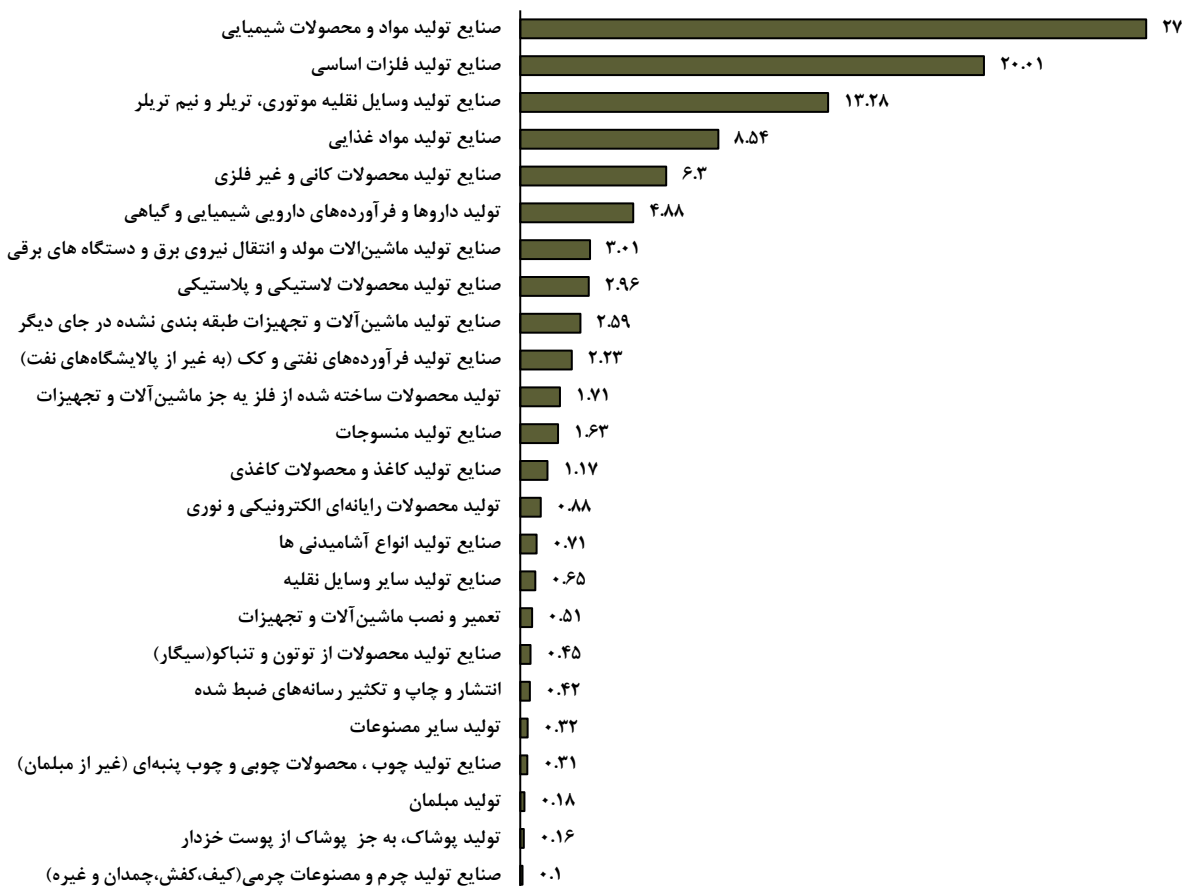


نمودار ۶. درصد تغییر شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی طی سه فصل نخست سال ۱۴۰۱ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل

منبع: بانک مرکزی

۳-۳. ترکیب فعالیت‌ها از لحاظ سهم در ارزش‌افزوده کل صنعت ساخت

وفق طبقه‌بندی سازمان ملل متحد در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی تحت عنوان آیسیک ۴، تعداد ۲۴ فعالیت صنعتی ذیل حوزه صنعت ساخت وجود دارند. ترکیب ارزش‌افزوده فعالیت‌های ۲۴ گانه مزبور در ارزش‌افزوده کل کارگاه‌های صنعتی ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر، حاکی از تمرکز بالای برخی فعالیت‌های صنعتی در ایران است. شش گروه فعالیت صنعتی شامل صنایع تولید محصولات شیمیایی، تولید فلزات اساسی، تولید وسایل نقلیه موتوری، تولید مواد غذایی، تولید محصولات کانی و غیرفلزی و تولید دارو در مجموع ۸۰ درصد از ارزش‌افزوده صنعت ساخت را تشکیل می‌دهند. سهم مابقی ۱۸ گروه فعالیت از ارزش‌افزوده کل صنعت ساخت، ۲۰ درصد است. تحولات مربوط به تغییرات تولید صنایع با درجه اهمیت بالاتر در ارزش‌افزوده کل صنعت، اثرگذاری بیشتری بر نحوه تغییرات شاخص کل تولید صنعت دارند. در نمودار ۷، ترکیب فعالیت‌ها از لحاظ سهم در ارزش‌افزوده کل صنعت ساخت نشان داده شده است.



نمودار ۷. ترکیب فعالیت‌ها از لحاظ سهم در ارزش‌افزوده کل صنعت ساخت در ۹ ماهه سال ۱۴۰۱- درصد

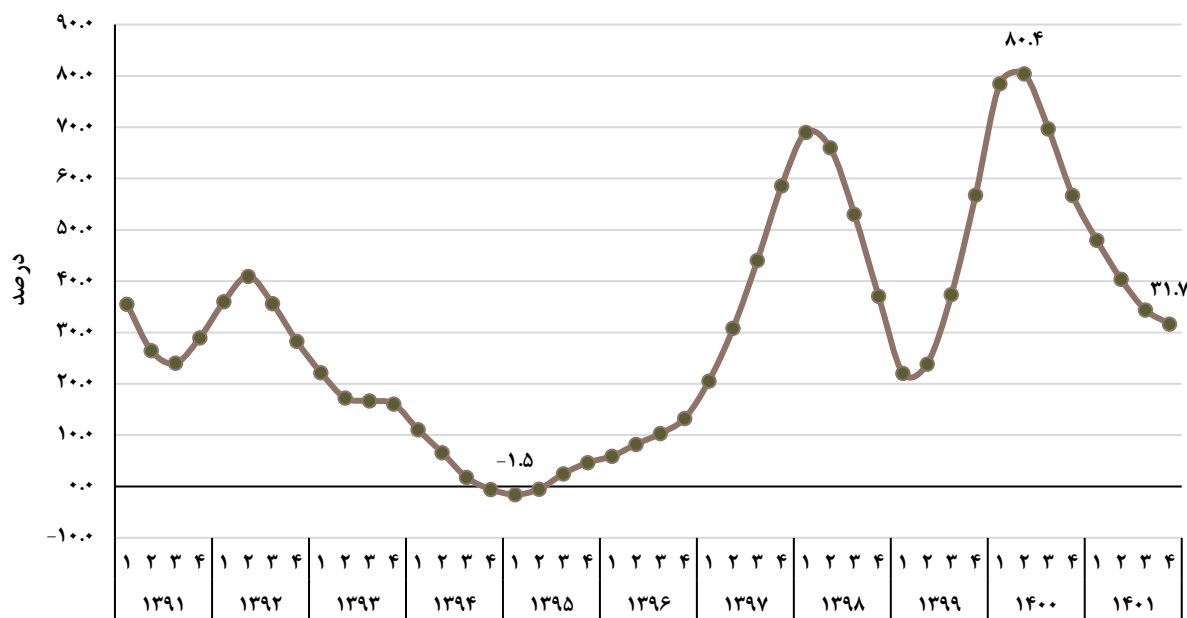
منبع: بانک مرکزی

۴. تورم تولیدکننده بخش صنعت

با توجه به اینکه موضوع انتقال قیمت و هزینه تولید در تحلیل وضعیت تورم و اخذ سیاست‌های کنترلی نقش مهمی را ایفا می‌کند، بررسی روابط میان شاخص‌های قیمت نتایج قابل توجهی را ارائه می‌دهد. بر اساس مطالعات و پژوهش‌های مختلف رابطه مثبتی میان شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده وجود دارد. تورم مصرف‌کننده (CPI) ماهیت فشار تقاضا و تورم تولیدکننده (PPI) ماهیت فشار هزینه را نمایان می‌کند. به بیان دیگر شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده عموماً به عنوان قیمت‌های متفاوت کالاها در طول زنجیره تولید شناخته می‌شوند. عموماً چنین فرض می‌شود که با افزایش هزینه‌های تولید و به دنبال آن افزایش PPI، تولیدکنندگان افزایش هزینه خود را به افزایش قیمت کالای نهایی منتقل می‌کنند و این امر منجر به افزایش CPI می‌شود. رابطه علیت از PPI به CPI نشانگر تورم ناشی از فشار هزینه است. ماهیت فشار هزینه‌ای تورم بیانگر این امر است که تغییرات قیمت تولیدکننده در مرحله اول زنجیره عرضه به مرحله بعدی و پیوسته به قیمت نهایی مصرف‌کننده منتقل می‌شود. طبق این نگاه PPI و CPI از طریق زنجیره تولید با یکدیگر در ارتباط هستند؛ بر همین اساس با افزایش PPI برای قیمت مواد اولیه که در تولید کالاهای واسطه‌ای به کار می‌روند، قیمت کالاهای واسطه‌ای افزایش یافته و با رشد قیمت کالاهای واسطه‌ای که در تولید کالای نهایی به کار می‌رود، تورم تولیدکننده برای قیمت کالاهای نهایی افزایش یافته و در نهایت این اتفاق منجر به افزایش تورم مصرف‌کننده می‌شود.

افزایش قیمتی که در مبدأ تولید رخ می‌دهد و گویای تورم تولیدکننده است، با یک فاصله زمانی به بازارهای خرد منتقل شده و مصرف‌کنندگان آن را حس خواهند کرد. به طور کلی رشد هزینه‌های تولید در هر مقطعی می‌تواند علامتی از ادامه رشد قیمت‌ها در بخش مصرف‌کننده باشد. هرچه این هزینه‌ها در بخش‌های مختلف روند صعودی تری باشد انتظار کاهش تورم در این بخش‌ها در سمت مصرف‌کننده کمتر خواهد بود. البته در بخش‌های مختلف این فاصله زمانی متفاوت است، به‌عنوان مثال تورمی که در مبدأ تولید بخش صنعت رخ می‌دهد، بالطبع دیرتر از بخش خدمات به مصرف‌کننده خرد منتقل می‌شود. همچنین این تأخیر در روند نزولی تورم نیز قابل بیان است و مضاف بر آن، موضوع چسبندگی قیمت‌ها به سمت پایین هم مطرح می‌شود. شاخص قیمت تولیدکننده کل بخش صنعت یکی از مولفه‌های تعیین‌کننده قیمت‌ها در این بخش است که بررسی تغییرات شاخص‌ها در نمودار ۸ نشان می‌دهد، نرخ تورم سالانه در این بخش از ۵۶.۷ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۳۱.۷ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است. به‌عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط تولیدکنندگان محصولات صنعتی به ازای تولید کالاهای خود در داخل کشور، در چهار فصل منتهی به زمستان ۱۴۰۱ نسبت به دوره مشابه سال قبل، ۳۱.۷ درصد افزایش یافته است. بر اساس این نمودار بیشترین تورم سالانه قیمت تولیدکننده بخش صنعت در ۱۰ سال گذشته با ۸۰.۴ درصد در تابستان ۱۴۰۰ رقم خورده است. با بررسی این آمار می‌توان امیدوار بود که سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها

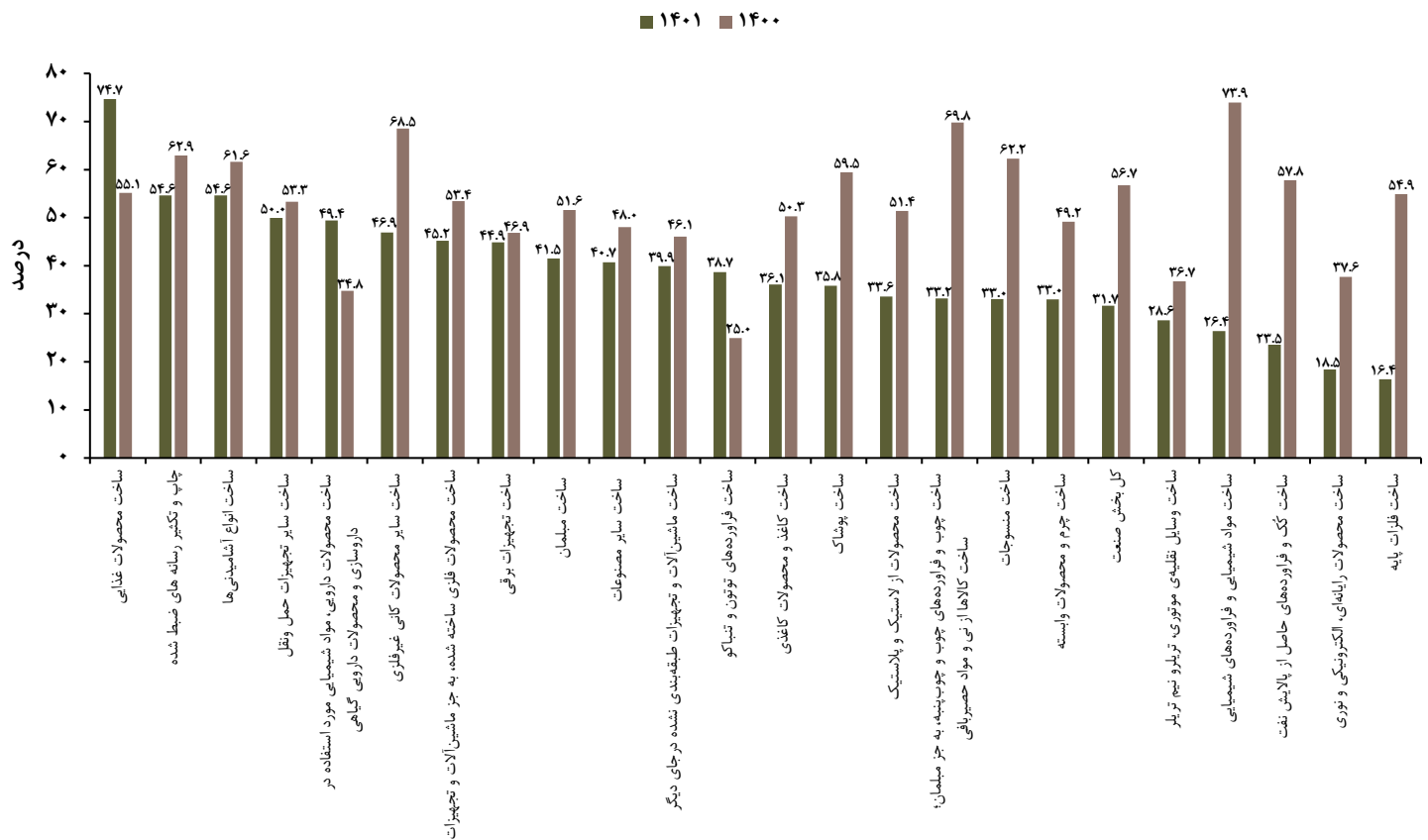
در بخش صنعت و حمایت از تولید و رفع چالش‌های صنعتگران توانسته است نرخ تورم را به ۳۱.۷ درصد در سال ۱۴۰۱ کاهش دهد.



نمودار ۸. تورم تولیدکننده در بخش صنعت طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ - درصد
منبع: مرکز آمار

طبق داده‌های مرکز آمار، بخش ساخت محصولات غذایی (۷۴.۴ درصد) بیشترین تورم را در سال ۱۴۰۱ ثبت کرده است. شایان توجه است که نرخ تورم محصولات غذایی در سال ۱۳۹۱ برابر با ۴۱.۷ درصد بوده است و این امر بیانگر این است که نرخ تورم این بخش در سال ۱۴۰۱، نسبت به سال ۱۳۹۱ حدود ۳۲.۷ واحد درصد افزایش داشته است که تا حد زیادی به دلیل وابستگی شدید تامین کالاهای اساسی از محل واردات است. وابستگی شدید به تامین وارداتی، هزینه‌های تجارت بالاتر از حد منطقی به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، موضوع خشکسالی‌های دروه‌ای، افزایش قیمت جهانی مواد غذایی، عدم توزیع متوازن مکانی و زمانی در خصوص کالاهای اساسی، بالابودن هزینه مبادله کالا در طول زنجیره تامین به دلیل ضعف زیرساخت‌های مربوطه، قیمت تمام‌شده بالا برای کالاها به دلیل شکاف قابل توجه بین ظرفیت اسمی و ظرفیت اشتغال اکثر بنگاه‌های تولیدی و سایر عوامل خارج از دامنه تصمیم مدیران و صاحبان کسب‌وکار، بستر افزایش تورم مواد غذایی در ایران را گسترده‌تر کرده است. شایان ذکر است در فاصله زمانی مارس ۲۰۲۲ (معادل اسفند ۱۴۰۰) تا مارس ۲۰۲۳ (معادل اسفند ۱۴۰۱) ایران در بین ۱۰ کشور دنیا با بالاترین رقم تورم مواد غذایی قرار گرفته است. یکی از اقداماتی که در بسیاری از کشورها جنبه عمومی داشته و از آن به عنوان یک فاکتور کلیدی در جهت کنترل تورم بخشی یا کالایی استفاده می‌شود، تلاش

در جهت تامین کافی و یا جلوگیری از کاهش عرضه محصولات در بازار مصرف بوده که در اکثر کشورها با استفاده از سیاست‌گذاری‌ها و ابزارهای تجاری در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت یا میان‌مدت دنبال می‌شوند. بر اساس گزارش بانک جهانی در آوریل ۲۰۲۳ و با استناد تجربیات کشورها در حوزه تنظیم بازار و در واکنش به سطح بالای تورم مواد غذایی، برخی از کشورها در حوزه تجارت نهاده‌ها و محصولات کشاورزی و غذایی ابزارهایی را به کار گرفته‌اند که محوریت و تمرکز اصلی آن‌ها بر محدودیت صادرات استوار بوده است. از جمله این ابزارها می‌توان به ممنوعیت صادرات، مالیات بر صادرات و اجبار به اخذ گواهی‌های استاندارد صادراتی اشاره کرد. هند، چین، بنگلادش، گرجستان و قزاقستان نیز از نمونه‌هایی عنوان شده‌اند که با همین ابزارها توانسته‌اند تورم برخی از انواع مواد غذایی مثل گندم، شکر، برنج، حبوبات و ... را کنترل کنند. صنایع چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده با تورم حدود ۵۴.۶ درصد و انواع نوشیدنی‌ها با تورم حدود ۵۴.۶ درصد در رتبه‌های بعدی بالاترین تورم گروه فعالیت‌های اقتصادی بخش صنعت قرار می‌گیرند.

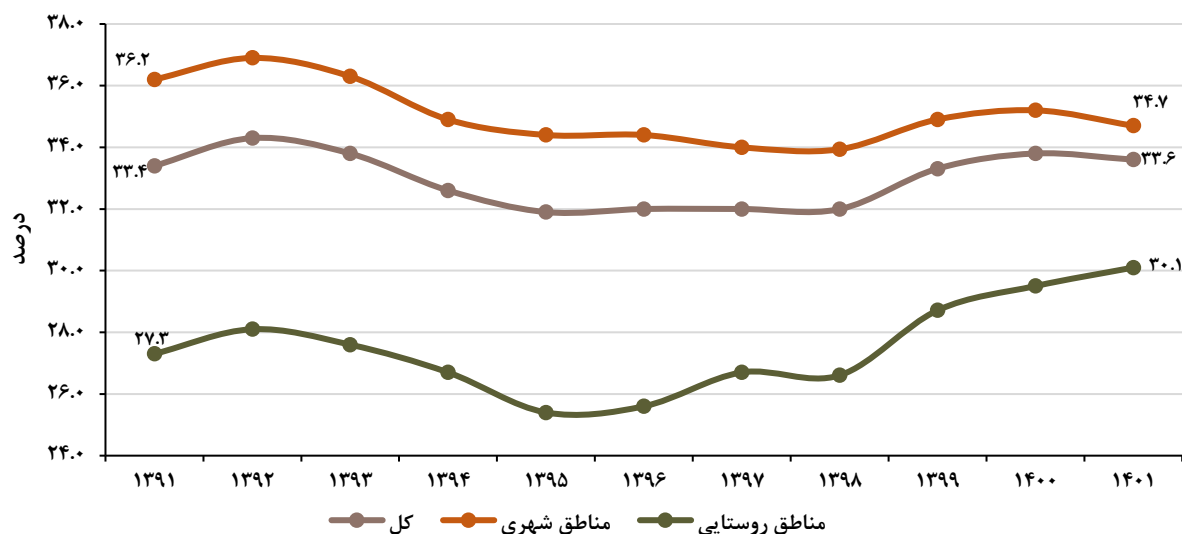


نمودار ۹. نرخ تورم سالانه تولیدکننده صنعت به تفکیک گروه فعالیت - (۱۳۹۵=۱۰۰)

منبع: مرکز آمار

۵. اشتغال در بخش صنعت

در حال حاضر، با توجه به رشد جمعیت در دهه‌های قبل و جذب ناکافی نیروی کار در مشاغل و نیز ترکیب نیروی کار که بخش بزرگی از آن را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند، اشتغال به یک چالش مهم برای دولت تبدیل شده است. در این میان، بخش صنعت کشور دارای اهمیت راهبردی از لحاظ اشتغال‌زایی است و به‌طور بالقوه نقش مهمی در جذب نیروی کار دارد. از آنجا که ارزش افزوده اقتصادی در فرآیند تولید کالا و خدمات تحقق پیدا می‌کند، ارتقای ارزش افزوده بخش صنعت می‌تواند به اشتغال منتهی شود. در واقع ارزش افزوده صنعت به افزایش درآمد و افزایش تقاضای کالاها و خدمات صنعتی بازار منجر می‌گردد که در نهایت افزایش تولید کل و اشتغال را به همراه دارد. توزیع نسبی شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر بر حسب سه بخش عمده فعالیت‌های اقتصادی (خدمات، صنعت و کشاورزی) بیانگر این است که بخش خدمات و صنعت نقش مهمی در جذب نیروی کار دارند. بر اساس آمار مرکز آمار در سال ۱۴۰۱، نزدیک به نیمی از شاغلان کشور در بخش خدمات و ۳۳.۶ درصد در بخش صنعت مشغول به فعالیت هستند. بر اساس نمودار ۱۰، سهم شاغلان بخش صنعت در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۱ حدود ۰.۲ واحد درصد افزایش داشته‌است که می‌توان بیان نمود این میزان افزایش نمی‌تواند پاسخگوی رشد تقاضا برای اشتغال جمعیت جوان کشور باشد. به عبارتی طی دهه گذشته رشد بخش صنعت به گونه‌ای نبوده است که تقاضای کافی برای استخدام نیروی کار ایجاد کند. نکته قابل توجه این است که طی سال‌های مورد بررسی از سهم شاغلان مناطق شهری بخش صنعت کاسته شده و بر شاغلان مناطق روستایی بخش صنعت افزوده شده است. این موضوع به وضوح در نمودار ۱۰ قابل مشاهده است.



نمودار ۱۰. سهم جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر بخش صنعت بر حسب مناطق طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱

منبع: مرکز آمار

بخش صنعت در صورت اتخاذ سیاست‌های مناسب می‌تواند یکی از بخش‌هایی باشد که قابلیت جذب نیروی کار جدید را در سال‌های آینده داشته باشد. تحقق این امر مستلزم این است که رشد اقتصادی در بخش صنعت بالا و در عین حال مداوم و با ثبات بوده و ثانياً ساختار صنعت نیز بر بخش‌های تمرکز دارد که عملکرد اشتغال‌زایی بالاتری دارند. این موضوع می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری صنعتی کشور در سال‌های آینده باشد.

۶. صادرات بخش صنعت

مجموع ارزش صادرات بخش صنعت در سال ۱۴۰۱، حدود ۶.۸ میلیارد دلار برآورد شده و بیشترین محصول صادراتی نیز محصولات صنایع غذایی، محصولات پلیمری و شیمیایی بوده است. در سال ۱۴۰۱، حدود ۱.۶ میلیارد دلار محصولات غذایی صادر شده است که نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۱۰ درصد رشد داشته است. صنایع غذایی از جمله صنایعی است که به دلیل دارا بودن مزیت‌های نسبی در صادرات، ایجاد ارزش افزوده و اشتغال‌زایی بالا می‌تواند نقش موثری در اقتصاد کشور داشته باشد.

بر اساس آمار و اطلاعات سازمان توسعه و تجارت ایران مهم‌ترین کالاهایی صنعتی صادر شده طی سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ به شرح جدول ۴ است. بر اساس این اطلاعات در سال ۱۴۰۱ حدود ۱.۶ میلیارد دلار محصولات پلیمری به مقاصد مختلف صادر شده که نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۳۰ درصد رشد داشته است. صادرات محصولات پلیمری یکی از بخش‌های مهم صادرات غیرنفتی ایران است. ایران یکی از بزرگترین تولیدکنندگان محصولات پلیمری در جهان است و ظرفیت تولید محصولات پلیمری در این کشور به‌طور مداوم در حال افزایش است. رشد صادرات محصولات پلیمری ایران می‌تواند نقش مهمی در توسعه صادرات غیرنفتی کشور داشته باشد. این محصولات دارای ارزش افزوده بالا و بازارهای فروش گسترده‌ای هستند. همچنین، صادرات محصولات پلیمری می‌تواند به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد ارزی کشور کمک کند. ایران با توجه به ظرفیت تولید قابل توجه خود، پتانسیل بالایی برای افزایش صادرات محصولات پلیمری دارد. برای تحقق این امر، لازم است اقداماتی در جهت بهبود کیفیت محصولات، کاهش قیمت‌ها و توسعه بازارهای صادراتی صورت گیرد. از طریق اقداماتی مانند افزایش سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه برای بهبود کیفیت محصولات، کاهش هزینه‌های تولید برای رقابتی‌تر شدن محصولات در بازارهای جهانی، توسعه بازاریابی و تبلیغات برای معرفی محصولات ایرانی به مشتریان خارجی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تسهیل صادرات می‌توان مسیر صادرات این محصولات را تسهیل نمود.

در سال ۱۴۰۱، صادرات محصولات شیمیایی با رشد ۲۳ درصدی به حدود ۸۷۲ میلیون دلار رسیده است. مواد شیمیایی اهمیت بسیار زیادی در صنایع تولیدی دارند. بازار مواد شیمیایی اکنون بسیار پررونق و گسترده است و همه کشورهای جهان صادرکننده و واردکننده این ترکیبات هستند. وابستگی صنایع مختلف به مواد شیمیایی تا حدی است که بدون تأمین مواد شیمیایی اولیه بسیاری از صنایع از کار خواهند افتاد. به دلیل این اهمیت گسترده،

اکنون صادرات مواد شیمیایی می‌تواند یک تجارت پرسود برای هر کشوری باشد. ایران نیز با دسترسی به منابعی همچون نفت خام می‌تواند صادرکننده بسیاری از مواد شیمیایی به سراسر جهان باشد. در بین صنایع مورد بررسی، صادرات صنایع ماشین‌سازی و تجهیزات، نساجی و پوشاک و محصولات سلولزی به ترتیب حدود ۱۴ درصد، ۳ درصد و ۲ درصد در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰، کاهش داشته است.

جدول ۴. ارزش مهم کالاهای صنعتی صادر شده طی سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ - میلیون دلار

بخش	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	درصد تغییرات ۱۴۰۱ نسبت به ۱۴۰۰
صنایع غذایی	-	۱۴۷۸	۱۶۲۸	۱۰
محصولات پلیمری	۱۰۳۴	۱۲۳۷	۱۶۰۶	۳۰
نساجی، پوشاک و کفش	۷۴۹	۷۸۵	۷۵۹	-۳
شیمیایی	۴۳۶	۷۰۸	۸۷۲	۲۳
ماشین‌سازی و تجهیزات	۳۷۴	۵۷۹	۵۰۰	-۱۴
لوازم خانگی	۳۵۴	۳۷۶	۳۹۲	۴
صنایع برقی و الکترونیک	۱۹۹	۲۸۴	۳۸۸	۳۷
محصولات سلولزی	۱۶۹	۲۵۹	۲۵۴	-۲
خودرو و نیرو محرکه	۱۲۰	۱۹۵	۲۸۱	۴۴

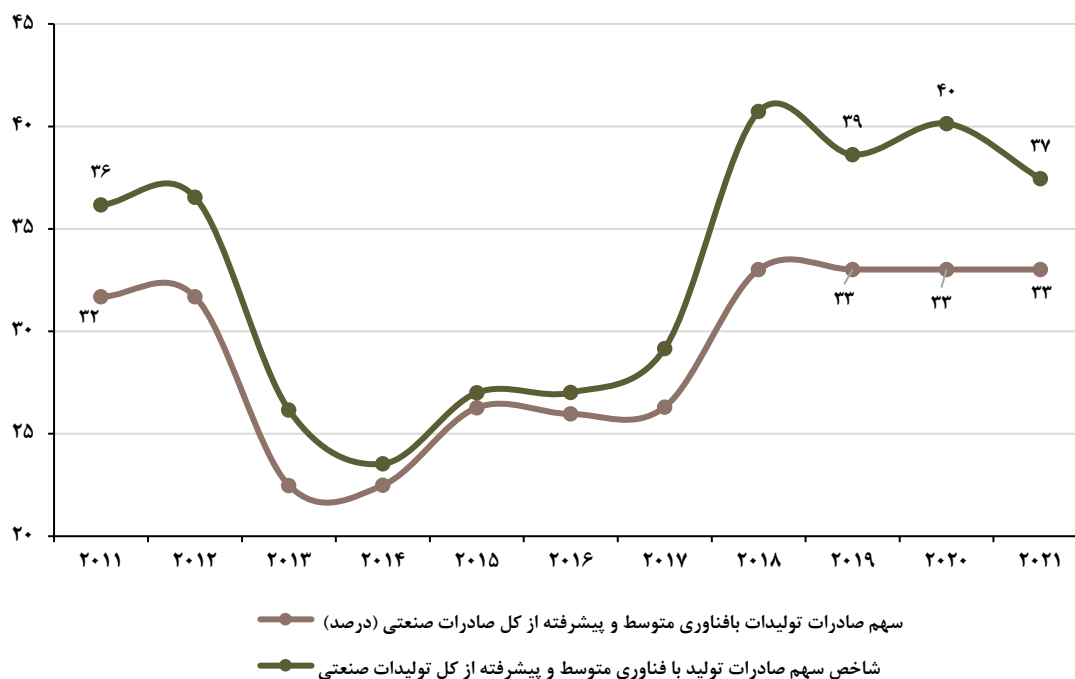
منبع: سازمان توسعه تجارت ایران

۶-۱. شاخص عملکرد رقابت صنعتی یونیدو

اکنون الگوی تجارت بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای پیچیده شده است و تولید فناوری پیشرفته به یکی از مهم‌ترین صنایع جهان تبدیل شده است. در شرایط فعلی، تضمین رشد پایدار اقتصادی کشور و بهبود رقابت‌پذیری اقتصاد ملی در بازارهای جهانی مستلزم افزایش سهم صنایع فناوری بالا در ساختار تولید ناخالص داخلی و تجارت است. در قرن بیست و یک، تولید محصولات هایتک سریع‌ترین رشد را در سراسر جهان داشته است. تنوع صادرات ممکن است در کشورهای توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته، متفاوت باشد. اقتصادهای پیشرفته، صادرات خود را از طریق نوآوری و سرمایه‌گذاری جدید فناوری، متنوع می‌سازند. اما در اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته معمولاً به منابع طبیعی، کشاورزی و نیروی کار کم هزینه بستگی دارد. یونیدو در گزارش سالیانه خود از طریق شاخص‌هایی که مهم آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، عملکرد رقابت صنعتی کشورها را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه به شاخص‌های صادرات محصولات صنعتی ایران با فناوری متوسط و پیشرفته پرداخته خواهد شد.

۶-۱-۱. شاخص سهم صادرات محصولات با فناوری متوسط و پیشرفته

سهم کالاهای با فناوری متوسط و بالا در صادرات صنعتی^۳ (ساخت) بیانگر محتوای فناوری و پیچیدگی صادرات است. بر اساس آخرین اطلاعات منتشر شده از یونیدو، ایران در سال ۲۰۲۱، در زمینه شاخص سهم تولیدات صنعتی با فناوری متوسط و پیشرفته از کل صادرات صنعتی (MHXsh) رتبه ۷۱ را از میان ۱۵۳ کشور به خود اختصاص داده است. کشورهایمانند ترکیه (رتبه ۵۶)، عمان (رتبه ۶۲)، آذربایجان (رتبه ۵۹) در جایگاهی بالاتر و کشورهایمانند پاکستان (رتبه ۱۱۹)، ارمنستان (رتبه ۱۰۴) و ازبکستان (رتبه ۸۴) در جایگاهی پایین تر نسبت به ایران قرار دارند. نمودار ۱۱، سهم صادرات تولیدات با فناوری متوسط و پیشرفته ایران و شاخص آن را طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱ نشان می‌دهد. نمودار مزبور بیانگر آن است که به‌طور کلی روند سهم صادرات محصولات با فناوری متوسط و پیشرفته از کل صادرات صنعتی (MHXsh) در سال‌های مورد بررسی با صعود جزئی همراه بوده و از ۳۲ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۳۳ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. البته نوسان‌هایی در روند این متغیر مشاهده می‌شود که می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی مانند فشار نوسانات نرخ ارز باشد.



نمودار ۱۱. روند سهم صادرات تولید با فناوری متوسط و پیشرفته ایران و شاخص آن طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱

منبع: یونیدو

³ Medium and High-tech manufactured Exports share in total manufactured exports (MHXsh)

بر اساس نمودار ۱۱، شاخص، سهم صادرات محصولات با فناوری متوسط و پیشرفته از کل صادرات صنعتی را در مقایسه با سایر کشورها در مقیاس بین ۰ تا ۱۰۰ قرار می‌دهد. روند شاخص سهم صادرات محصولات با فناوری متوسط و پیشرفته از کل صادرات صنعتی (MHXsh- Index) در بازه زمانی مورد بررسی از رقم ۳۶ در سال ۲۰۱۱ به ۳۷ در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است.

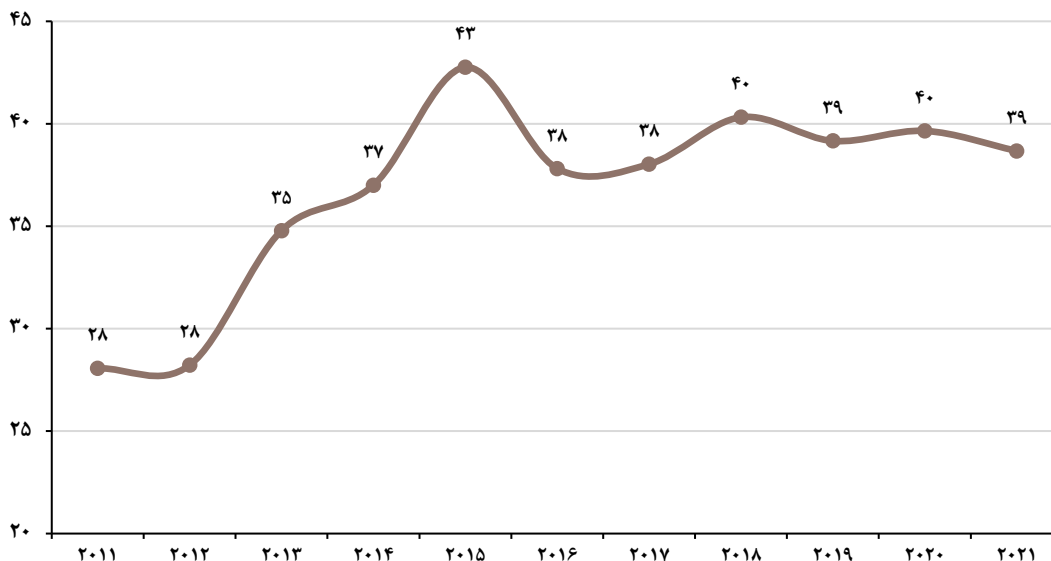
توسعه صنعتی نیازمند تغییر زیربناهای تولیدی از صنایع وابسته به منابع طبیعی و تکنولوژی‌های پایین به فعالیت‌های باتکنولوژی متوسط و بالاست. هرچه سهم فعالیت‌های دارای تکنولوژی متوسط و بالا در ارزش افزوده صنعت بالاتر باشد، می‌توان گفت که ساختار صنعتی کشور از نظر تکنولوژی پیچیده و عملکرد صنعتی می‌تواند رقابتی‌تر باشد که این امر به توسعه بخش صنعت می‌انجامد. صنعتی شدن منشا تحولات تکنولوژیک است و از طریق ایجاد روش‌ها و اختراع ابزارهای نوین تولید، بهره‌وری را در بخش‌های دیگر اقتصاد افزایش می‌دهد.

۶-۱-۲. شاخص کیفیت صادرات صنعتی ایران

شاخص کیفیت صادرات صنعتی^۴، از میانگین سهم صادرات تولیدات با فناوری متوسط و پیشرفته از کل صادرات صنعتی (MHXsh) و سهم صادرات صنعتی از کل صادرات^۵ به دست می‌آید که به منظور مقایسه با سایر کشورها این شاخص در مقیاسی بین صفر تا ۱۰۰ قرار داده شده است. آمارهای یونیدو حاکی از این است که ایران در سال ۲۰۲۱ در شاخص کیفیت صادرات صنعتی در رتبه ۹۹ از میان ۱۵۳ کشور قرار دارد. کشورهایی مانند پاکستان (رتبه ۸۴)، قطر (رتبه ۸۱) و ترکیه (رتبه ۴۴) در جایگاهی بالاتر و کشورهایی مانند قزاقستان (رتبه ۱۰۳)، آذربایجان (رتبه ۱۲۸) و کویت (۱۴۰) در جایگاه پایین‌تر نسبت به ایران قرار دارند. همانطور که در نمودار ۱۲ مشاهده می‌شود به‌طور کلی روند شاخص کیفیت صادرات صنعتی ایران طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱، صعودی بوده و از رقم ۲۸ در سال ۲۰۱۱ به ۳۹ در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. بر اساس این نمودار، افزایش قابل توجهی در سال ۲۰۱۵ رخ داده که بالاترین رقم این شاخص در طی سال‌های مورد بررسی است. می‌توان اظهار نمود این امر می‌تواند ناشی از افزایش نرخ ارز باشد.

^۴ Manufacturing Export Quality (MXQual)

^۵ Share of Manufactured Exports in total Exports (MXsh)

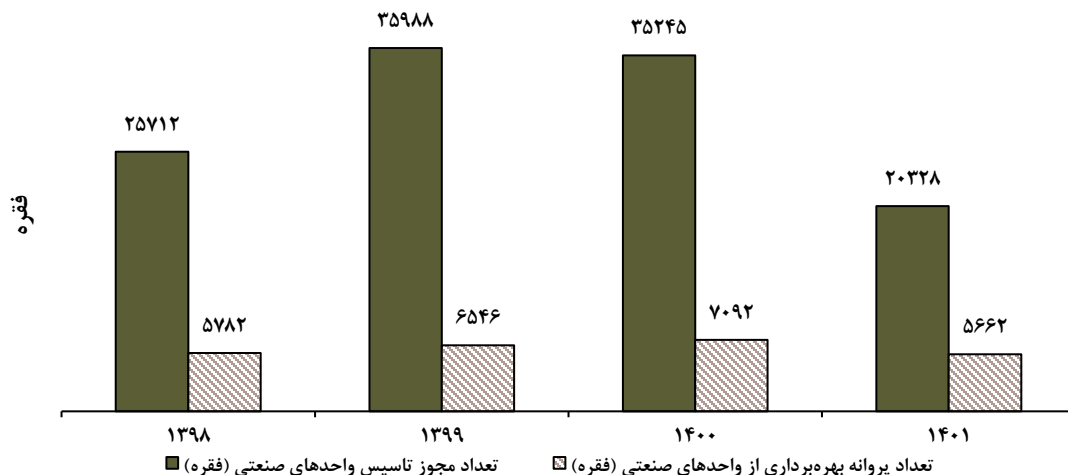


نمودار ۱۲. روند شاخص کیفیت صادرات صنعتی ایران طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۱

منبع: یونیدو

۷. مجوزهای صنعتی

جوازهای تاسیس صادره نماگری از گرایش سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در بخش صنعت کشور است. تعداد پروانه‌های بهره‌برداری صنعتی صادره نیز نشان می‌دهد چه میزان از جوازهای تاسیس صادره، با تاخیر سه تا پنج ساله واحدهای تولیدی فعال ایجاد کرده است. نمودار ۱۳، تعداد جوازهای تاسیس صنعتی صادر شده و رشد آن‌ها را طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که هم تعداد مجوزهای تاسیس و هم تعداد پروانه‌های بهره‌برداری صادره در این چهار سال روند نزولی داشته است. تعداد جوازهای صنعتی صادر شده با کاهش ۴۲.۳ درصدی به ۲۰.۳ هزار فقره و تعداد پروانه‌های بهره‌برداری واحدهای صنعتی با کاهش ۲۰.۲ درصدی به ۵.۶ هزار فقره در سال ۱۴۰۱ رسیده است. می‌توان بیان نمود که با وجود نوسانات و مشکلات محیط اقتصاد کلان کشور، سرمایه‌گذاران تمایلی به ورود به بخش صنعت را ندارند.



نمودار ۱۳. تعداد مجوزهای صنعتی صادر شده (۱۴۰۰=۱۰۰)

منبع: بانک مرکزی

۸. چالش‌ها، تنگناها و مسائل اساسی بخش صنعت

با وجود اینکه سال‌های متمادی از اولین تلاش‌های ایران برای دستیابی به صنعت مدرن می‌گذرد و سرمایه‌گذاری فراوانی از محل درآمدهای نفتی، پس‌اندازهای خصوصی و یا استقراض خارجی در این مسیر انجام شده، اما هنوز کشور به جایگاه قابل قبولی در صنعت دست نیافته است. برای برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه صنعتی باید تنگناهای اساسی در این بخش شناخته شود. این شناخت بدون داشتن تصویری واقعی از عملکرد بخش صنعت امکان‌پذیر نیست، این تصویر با بررسی برخی از شاخص‌های مهم این بخش پیش‌تر نمایان شد.

در ادامه می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که چرا ایران در دستیابی و نهادینه کردن صنعت مدرن ناموفق بوده است. بررسی‌های تاریخی بیانگر این موضوع است که برخی از کشورهایی که همزمان با ایران و یا حتی پس از ایران، برنامه‌های توسعه صنعتی را آغاز نموده‌اند تا حد قابل توجهی در سطح بالایی قرار دارند. به‌عنوان نمونه می‌توان از کره جنوبی نام برد. شرکت ایران ناسیونال (ایران خودرو فعلی) در سال ۱۳۴۱ تاسیس شد. در سال ۱۳۴۶، این شرکت با تولید پیکان شروع به تولید خودرو کرده است. در مقابل هیوندای شرکتی است که بعد از جنگ دو کره در سال ۱۳۴۶ به صنعت خودرو ورود پیدا می‌کند. مقایسه این دو شرکت به‌لحاظ کمیت و کیفیت محصولات بیانگر عقب‌ماندگی صنعتی کشورمان است. بر اساس آمار سازمان توسعه و تجارت، بخش اعظم صادرات غیرنفتی کشورمان را محصولات اولیه و محصولات با سطح تکنولوژی بسیار پایین (حدود ۴۸ درصد) تشکیل می‌دهد و عملاً پیشرفتی در صادرات محصولات با ارزش‌افزوده بالا در سبد صادراتی کشور به چشم نمی‌خورد. توسعه صنعتی نیازمند شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. جامعه‌ای در مسیر صنعتی شدن موفق

است که خود را برای تغییرات موردنیاز این فرآیند آماده کرده باشد. برخی از چالش‌های پیش‌روی بخش صنعت به شرح زیر بیان می‌شود:

۱. نبود استراتژی توسعه صنعتی

فقدان استراتژی توسعه صنعتی در کشور مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرده است. مشخص نبودن بخش‌های اولویت‌دار و صناعی که باید در آن‌ها خلق مزیت شود، سبب شده است منابع کشور به درستی هدایت نشوند و دستاوردهای توسعه‌ای برای کشور به همراه نداشته باشند. بیشتر صنایع در بخش‌های متکی به رانت و مواد خام تمرکز پیدا کرده‌اند. از سوی دیگر دوگانگی در بنگاه‌های صنعتی به این معنا که درصد زیادی از بنگاه‌ها دارای اندازه کوچک و متوسط و درصد بسیار کمی در اندازه بزرگ فعالیت می‌کنند، چالش دیگری در این بخش است. این موضوع بیانگر این است که ساختار روابط در صنعت توسعه‌یافته بین سطوح مختلف بنگاه‌های کشور شکل نگرفته است. از دیگر مشکلات بخش صنعت، وابستگی به درآمدهای نفتی است به نحوی که افزایش درآمدهای ارزی حاصل از نفت، سبب نادیده گرفته شدن صادرات صنعتی واقعی شده است. نقش مسلط بخش عمومی و دولتی به جای بخش خصوصی در فرآیند تولید صنعتی و وجود فاصله عمیق فناوری صنعت در ایران با سایر کشورها از دیگر مشکلات بخش صنعت ایران به حساب می‌آید. با توجه به این مشکلات، تدوین استراتژی توسعه صنعتی با بهره‌گیری از جامعه نخبگان صنعت، اقتصاد و تصمیم‌سازان اقتصادی یک ضرورت است.

۲. ضعف در فناوری و نوآوری

فناوری‌های جدید، محرک توسعه صنعتی پایدار و فراگیر هستند که در تولید کالاهای جدید و ظهور صنایع نوین نقش موثری دارند. این فناوری‌ها سبب افزایش بهره‌وری تولید شده که خود موجب کاهش قیمت‌ها، رقابتی شدن بازار، افزایش سود و همچنین افزایش سرمایه‌گذاری می‌شوند. کشورهای مختلف به سبب انقلاب‌های فناوری و با در نظر گرفتن مشارکت آن‌ها در تولید و به‌کارگیری فناوری‌های نوظهور به دو دسته اقتصادهای پیشرو و دنباله‌رو تقسیم شده‌اند. در بسیاری از موارد، بخش‌های مهمی از جهان از این تحولات بازمانده‌اند و چندین دهه طول می‌کشد تا پس از ارزان و فراگیر شدن، به این فناوری‌ها دسترسی داشته باشند. یکی از نگرانی‌های اصلی آغاز انقلاب صنعتی جدید، میزان توانمندی کشورها (به ویژه آن‌هایی که تازه در حال توسعه ظرفیت‌های پایه‌های صنعتی هستند) برای ادغام و به‌کارگیری فناوری‌های نوظهور است. کشور ایران در مسیر توسعه و به‌کارگیری فناوری‌های دیجیتال تولید با چالش‌های متعددی روبه‌رو است. پیش‌نیاز فراگیر شدن فناوری‌های نسل چهارم در تولید، دسترسی متوازن به قابلیت‌های پایه‌ای و زیرساخت‌های فناوری‌های دیجیتال نظیر دسترسی به اینترنت پرسرعت در تمامی زنجیره‌های ارزش تولید است. از سوی دیگر، لازم است بخش قابل توجهی از صنایع و شرکت‌های تولیدی کشور قابلیت فنی و توانمندی مالی برای سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری این فناوری‌ها در فرآیندها و محصولات

تولیدی را داشته باشند. این در حالی است که نه تنها شرکت‌های محدودی در ایران چنین توانمندی‌هایی را دارا هستند بلکه زیرساخت‌های کشور نیز هنوز آمادگی پشتیبانی از فراگیر شدن فناوری‌های نوین را ندارند.

۳. ضعف نهاد حقوق مالکیت

امنیت سرمایه‌گذاری در شرایطی به‌طور کامل برقرار می‌شود که متغیرهای اقتصاد کلان (نرخ تورم، نرخ ارز و...) باثبات یا قابل پیش‌بینی باشد، قوانین و مقررات، با ثبات، شفاف و قابل درک باشد و حقوق مالکیت برای همه به‌طور دقیق تعریف و تضمین شده باشد. شواهد موجود نشان می‌دهد حقوق مالکیت در کشور ما از طرف حاکمیت تضمین شده نیست. از جمله مصادیق مشاهده شده در تعدی به امنیت سرمایه‌گذاری به شرح زیر است:

- عدم تعهد به اجرای قراردادهای کسب‌وکار از طرف دستگاه‌های اجرایی و دیگر شهروندان
- فرایند بسیار طولانی، پیچیده و زمان‌بر دادرسی و پیگیری حقوق مورد تعدی
- بی‌ثباتی متغیرهای اقتصادی کلان نظیر نرخ ارز، تورم و نرخ سود بانکی
- وجود زمینه‌های فساد در روابط کارگزاران دولتی و فعالان اقتصادی

۴. فقدان نگاه صادرات محور

در ایران علی‌رغم آن‌که توسعه صادرات غیرنفتی و تنوع محصولات تولیدی دانش‌بنیان و فناوری‌محور همواره در قوانین و اسناد بالادستی مورد توجه قرار گرفته است، اما عدم توجه به صادرات و نگاه به بازار داخل برای عرضه محصول و عدم سیاست‌های حمایتی از صادرات متناسب با ارزش‌آفرینی، از مشکلات بخش صنعت در سطح کلان است. همانطور که پیش‌تر اشاره شد، بررسی عملکرد صادرات کشور حاکی از آن است که سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته منجر به توسعه صادرات با نسبت فناوری پایین در کشور شده است.

۵. تامین مالی و نقدینگی واحدها

شرایط تورمی حاکم و ضرورت‌های خرید نقدی، مشکل کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش واحدهای تولیدی را تشدید کرده است. تامین مالی فعالیت‌های تولیدی همواره یکی از دغدغه‌های جدی حوزه تولید برای توسعه کسب‌وکارها بوده است. به‌گونه‌ای که در پایش محیط کسب‌وکار کشور که توسط اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران به صورت فصلی منتشر می‌شود، تامین مالی به‌عنوان یک چالش در رتبه‌های بالا قرار داشته است. این مسئله در برهه‌هایی که کشور با انواع تکانه‌ها نظیر شیوع بیماری کرونا، تحریم‌ها و... مواجه است، حادث می‌شود. نوسانات بازار سرمایه ناشی از بی‌ثباتی متغیرهای کلان اقتصادی (تورم و ارز) و سیاست‌های دولت، مشکلات ساختاری شرکت‌ها، اثر تزاممی صنایع بزرگ برای صنایع کوچک و متوسط، سیاست‌های تعیین سود در نظام بانکی و عدم تناسب نرخ سود اوراق و نرخ بازدهی بازار سهام، فقدان سیستم رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌ها در

بازار سرمایه، قوانین و مقررات سخت‌گیرانه و فرآیند زمان‌بر و پیچیده انتشار اوراق در بازار سرمایه از اهم چالش‌های بنگاه‌های تولیدی در حوزه تامین مالی است.

۶. نظام مالیاتی

مشکلات ناشی از اجرای قانون مالیات بر ارزش‌افزوده و گسترده نبودن پایه‌های مالیاتی در کشور و فشار بار مالیاتی بر تولیدکنندگان از جمله مشکلات مطرح شده توسط تولیدکنندگان است.

۷. زمان‌بر بودن صدور مجوز

یکی از مشکلاتی که فعالان اقتصادی با آن مواجه هستند فرآیند پیچیده و زمان‌بر صدور مجورها اعم از تادیه، گواهی جواز، پاسخ به استعلام و مواردی از این قبیل است.

۸. ضعف دیپلماسی اقتصادی و تجاری

موتور محرکه تولید، بازار است. بازارهای بالقوه کشورهای همسایه می‌تواند چرخ‌های تولید کشور را به حرکت درآورد. تقویت دیپلماسی اقتصادی و تجاری و استفاده موثر از ابزارهایی مانند تعرفه‌های ترجیحی در بهبود فضای کسب‌وکار می‌تواند نقش قابل توجهی داشته باشد.

۹. جهش نرخ ارز و عدم ثبات آن

شرایط موجود اقتصاد کشور که بخشی از آن به آثار تحریم‌ها و بخشی دیگر به نحوه مدیریت منابع ارزی کشور برمی‌گردد سبب جهش نرخ ارز و نوسانات آن شده است. جهش نرخ ارز تبعاتی چون، بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه و افزایش هزینه‌های تولید را به همراه دارد.

۱۰. کسری بودجه دولت

کسری شدید بودجه دولتی و تمرکز دولت بر تامین منابع هزینه‌های جاری باعث شده است سیاست‌های دولتی سمت و سوی توسعه صنعت را نداشته باشد.

در مجموع، موارد مذکور باعث شده است تا توسعه صنعتی در ایران به معنای واقعی تکوین نیابد و محیط نهادی مرتبط با صنعت دچار هرج و مرج بسیار باشد. چالش‌های موجود در این بخش باعث شده ایران در طی حدود یک قرن صاحب صنعت شود و نه توسعه صنعتی. با توجه به اینکه بیشتر موارد مذکور به ضعف در محیط نهادی مرتبط با صنعت می‌گردد، پیشنهاد می‌شود که دولت برای جلوگیری از بی‌ثباتی‌های مدیریتی، استراتژی توسعه صنعتی را مشخص، از نقش مداخله‌گری خود خارج و وارد نقش نظارتی شود بدین ترتیب بهبود محیط نهادی توسعه صنعتی را رقم بزند.

۹. جمع‌بندی و ارائه راهکار

امروزه دستیابی به رشد و توسعه پایدار یکی از مباحث عمده کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود. کشورهای در حال توسعه جهت جبران عقب‌ماندگی‌ها، فرار از فقر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... برای رسیدن به توسعه‌ای متعادل و همه‌جانبه که بتواند به بهبود وضع زندگی همه مردم منجر گردد، نیازمند شناخت صحیح از پتانسیل‌ها و محدودیت‌ها در تمامی زمینه‌ها است. صنعت بیشترین نقش را در شکل‌گیری و تداوم توسعه اقتصادی داشته است. صنعت و صنعتی شدن پدیده‌ای است که بیش از سه قرن از عمر آن نمی‌گذرد ولی تاثیرات شگرفی بر انسان و محیط زندگی گذاشته است. در کشورهای توسعه‌یافته به‌طور عام توسعه با صنعتی شدن تحقق یافته و توسعه صنایع با رشد اقتصادی و افزایش سطح زندگی عمومی همراه بوده است. در کشورهای در حال توسعه نیز کارآیی و بهره‌وری در بخش صنعت به میزان قابل توجهی از بخش کشاورزی بیشتر است، به خصوص آن‌که صنعت توانسته است کارایی سایر بخش‌ها را نیز افزایش دهد. در شرایط امروز اقتصاد ایران، مشکلات فراوانی فراروی بخش صنعت کشور قرار دارد که از جنبه‌های مختلف، کار در این زمینه را سخت و طاقت فرسا نموده است. با توجه به اهمیت نقش صنعت راهکارهای ذیل به‌منظور ارتقای جایگاه صنعت در کشور پیشنهاد می‌گردد:

- ایجاد محیطی رقابتی و تشویق رقابت‌پذیری
- بهبود فضای کسب‌وکار
- حذف اختلالات قیمتی
- اصلاح قوانین و مقررات مربوط به صادرات و تسهیل آن‌ها در جهت تشویق صادرات
- ایجاد رقابت در بازارهای مالی
- استفاده از دیپلماسی مناسب برای جذب موثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تعامل گسترده با اقتصاد جهانی
- هدایت اعتبارات به توسعه بخش صنعت
- تدوین استراتژی توسعه صنعتی
- مشارکت فعال و پررنگ بخش خصوصی در تدوین سیاست‌های صنعتی
- تنوع‌بخشی در روش‌های تامین مالی

۱۰. منابع

۱. سازمان توسعه و تجارت (۱۴۰۱)، گزارش عملکرد تجارت خارجی کشور.
۲. مرکز آمار ایران
۳. بانک مرکزی
۴. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۸). چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید (بخش صنعت). معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی.
۵. براز، ابراهیم (۱۳۹۵). جایگاه و نقش صنعت در توسعه اقتصادی ایران (با نگاهی به فضای کسب‌وکار). چهارمین همایش تعامل صنعت و دانشگاه با رویکرد بهبود کسب‌وکار

1. Unido, 2023